

دانشکده ادبیات پنجاه

شماره ۱ سال ششم

۱۳۴۷

مهر ماه

هزار و همیوون

باقای سعید نفیسی
استاد دانشکده ادبیات

سال گذشته مصادف با گذشت هزار سال شمسی از درگذشت مودی مورخ معروف بود. بیشنهاد من دانشگاه اسلامی علیگرہ در هندستان مراسمی در بازار وی برپا کرد و در روز ۲۹۶۸ دیماه گذرای از دانشمندان چند کشود تشکیل شد و در من نایاشگاهی از پیشین خویی خصی عربی و فارسی که در عیگرہ هست ترتیب داده بودند.

در جویار جمله این گذراه بسیاری از دانشمندان مسلمان مقیم هندستان از آنجله آصف علی فیضی رئیس دانشگاه سرینگر یا تخت کشیر و محمدعلی استاد چفر او از دانشگاه ساوکرو حافظ غلام مصطفی دانشیار ادبیات عرب در دانشگاه علیگرہ و پروفسر عظیم الدین استاد ادبیات عرب در آن دانشگاه و دکتر مقبول احمد زایب رئیس «انتیتوی مصالمات اسلامی» در دانشگاه علیگرہ و پروفسر هادی حسن استاد ادبیات فارسی در آن دانشگاه و امیر جاز احمد دانشیار چفر افیا و حاج سبط الععن رئیس «کتابخانه مخطوطات» آن دانشگاه سخنرانی کردند و هر یک چندی ای از آثار و زندگی مسعودی را مورد بحث قرار دادند، از دانشمندان اروپایی پروفسر بر نارد لویس استاد دانشگاه لندن و پروفسر فن کرونباوم استاد دانشگاه کالیفرنیا در امریکا و بنی وفسود اشیس رئیس بنگاه اسلامی دانشگاه یون در آلمان فرمی حاضر بودند و برخی مانند

بر فریلا استاد دانشگاه پاریس ویر فرمینور سکی خاودشناس بسیار معروف که نتوانسته بودند حاضر شوند متن سخنرانیهای خود را فرستاده بودند.

از ایران آفایان بدیع الزمان فروزانفر و دکتر محمد معین نیز دعوت داشتند و نتوانستند در جلسات حضور بیابند. آفای دکتر معین نیز مقاله‌ای بنویان مسعودی وزردشت فرستاده بود. از این آفای بیکلا زیاده استاد دانشگاه امریکایی بیروت در کنگره حاضر بود. بسیار از نمایندگان سیاسی کشورهای اسلامی مقیم دهلی نیز در کنگره حاضر بودند. من نیز بحث خویشتن در نخستین جلسه کنگره یک سخنرانی کردم که متن آن در زیر انتشار می‌باشد:

چند نکته درباره ذهن گانی و گارهای مسعودی

در میان گروه فراوان مورخان اسلامی مسعودی دو برتری دارد: نخست و بسیع اطلاع او در تاریخ و چغرافیای کشورهاییست که در آن زمان در تمدن چنان معروف بوده‌اند. دوم کثرت مؤلفات اوست که در هر قرن و رشته‌ای از عارف آن زمان کتاب یا رساله‌ای داشته است.

تاجایی که مخبر شاریم ۳۸ کتاب و رساله درین رشته‌های مختلف نوشته‌است و در بغا که امروز جزو کی از مؤلفات فراوان وی باقی نیست.

خود در پایان کتاب مرrog الذهب نام و نسب خویش را ابوالحسن علی بن حسین ابن علی مسعودی و در آغاز کتاب التنبیه والاشراف بهمن گونه و در پایان آن علی بن حسین بن علی آورده است. ابن الندیم مؤلف معروف کتاب الفیہ است که کتاب خود را در ۳۷۷ یعنی ۲۳۶ سال پس از مرگ مسعودی پیاپان رسانیده و نخستین کسی است که ذکر از و کرده است، نام و نسب وی را ابوالحسن علی بن ابیالحسن مسعودی آورده است و از بیجا پیدا است که حد وی حسین نیز کنیه ابوالحسن را داشته و وی در آنکه با جد خود شریک بوده است. ابن الندیم در بازه وی بینو (۱)؛ ابوالحسن علی بن ابیالحسن مسعودی این مرد از مردم باخته بود و معروف بود با ابوالحسن علی بن حسین بن علی مسعودی از بازمائدگان عبدالله بن مسعود مصنف کتابهای تاریخ و اخبار شاهانست و از کتابهای اوست کتاب معروف بمروج الذهب ومعادن الجوهر در باره تیغه‌های

پادشاهان نامی و نامهای پیوندها و کتاب ذخایر العلوم و ماکان فی سائر الدھور و کتاب الاستذ کار لامر فی سالف الاعمار و کتاب التاریخ فی اخبار الامم من العرب والعجم و کتاب رسائل.

کسانی که سرگذشت وی را نوشتند همه این نکته را آورده اند که اصلاح مردم بغداد و از بازماندگان عبدالله بن مسعود بن غافل بن حبیب هذلی از مشاهیر اصحاب رسول بوده که در سال ۳۲ هجری در گذشته است و پیداست که نسبت مسعودی بواسطه انتساب باین خاندان است.

تاریخ رحلت وی را در جمادی الآخرة ۳۴ ضبط کرده اند و چون آخرین تالیف خود یعنی کتاب التنبیه والاشراف را در فسطاط نزدیک قاهره در ۳۴ یعنی در همان سالی که در گذشته بپایان رسانیده است احتمال نزدیک بیقین میرود که در مصر در گذشته باشد.

چنان می‌نماید که اگر هم در بغداد بجهان آمده و در آنجا پرورش یافته باشد در آن شهر چندان نزیسته است زیرا که در سراسر آثاری که از ومانده اشارتی بدین نیست که در بغداد بسیار مانده باشد بلکه صریحاً پیداست که در سراسر کشورهای اسلامی آن روزگار از هندوستان گرفته تا افریقا سفرهای بسیار کرده و مخصوصاً در جنوب و مغرب ایران بسیار گشته و نه تنها از تاریخ ایران و داستانهای ملی ایرانیان و کتابهای بسیاری که در باره ایران پیش از اسلام ہر داشته بودند آگاهی فراوان و بسیار دقیق دارد بلکه از نامهای ایرانی و کلماتی که از زبان فارسی در مؤلفات خویش آورده خوب پیدا است که زبان فارسی دری را بعد کمال میدانسته است و شاید این را میتوان دلیلی دانست که وی در ایران پرورش یافته باشد.

قرینه دیگری که در دست است اینست که مظہر بن طاھر مقدسی در کتاب البدء والتاریخ^۱ که بسال ۳۵۵ تالیف کرده است درباره کیومرث که نخستین پادشاه در داستانهای ایرانیست می‌گوید: «مسعودی در قصیده محبره‌ای که به فارسی سروده چنین گفته است:

گرفتش بگیتی درون پیشگاهی

نخستین کیومرث آمد بشاهی

چو سی مالی بگتی پادشا بود
که فرمانش به رجایی رو آورد
و این ایات را نیاوردم مگر برای آنکه ایرانیان را دیده ام این ایات و قصیده
را نیکو میشنوند و برای آن تصویر سیاسازند و آنرا تاریخ خود میپندارند.^۱

محبرة در لغت بمعنى پیراسته و نیکو آراسته است. جای دیگر در پایان پادشاهی
سasanیان^۲ می‌گوید: کار پادشاهان پارس بپایان رسید و خدای دین خود را آشناز
کرد و وعده خود را برآورد... و مسعودی در پایان قصیده خود به فارسی می‌گوید:

سپری شد نشان خسروانَا که کام خویش راندند درجهانَا

جای دیگری که ذکری ازین مسعودی و منظومه پارسی او آمده در کتابیست،
که بنام غرر اخبار ملوک الفرس و سیر هم در پاریس چاپ شده و ناشر آن را بخطابا
منصور عبدالملک بن محمد بن اسماعیل ثعالبی نیشاپوری ادیب بسیار معروف ایرانی
متولد در ۳۵۰ و متوفی در در ۴۲۹^۳ نسبت داده است و ترجمه فارسی آن نیز بنام «شاهنامه
ثعالبی» انتشار یافته است. نام درست این کتاب «غرر السیر» یا «کتاب الغرر فی سر
الملوک و اخبارهم» و تألیف ابو منصور حسین بن محمد سرشنی ثعالبی متوفی در ۴۲۱^۴
است^۵ که برای ناصر الدین سیکتگین برادر محمود غزنوی نوشته است. دونسخه
خطی ازین کتاب در کتابخانه ملی پاریس هست و در آبانماه سال گذشته مخصوصاً برای
آنکه آگاهی درست درباره آن بدست آورده غردوارا بدقت دیدم و معلوم شد تنها قسمتی
از آغاز این کتاب است و هردو نسبة تازه است و گویا نسخه دیگری از آن در استانبول
هست. دونسخه پاریس هردو تنها شامل قسمت پیش از اسلام است و پیش از سال
۱۲۱^۶ تألیف شده است.

درین کتاب یکجا^۷ در باره همین مسعودی چنین آمده است: «مسعودی در
مزدوجهای که به فارسی سروده پنداشته است که طهمورث کهن دژمرورا ساخته است».
جای دیگر^۸ در پادشاهی بهمن پسر اسفندیار واشکر کشی او بسیستان و جنگ با زل

۱ - ج ۲ ص ۱۷۲

۲ - با مرعشی، دیوانة الادب فی تراجم المروءین بالكتبة او اللقب تالیف محمد علی تبریزی
سروف بمدرس ج ۴ ص ۱۱ چاپ تهران ۱۳۲۱-۱۳۲۱ بنقل از آداب اللغة المرية.

۳ - ص ۱۰

۴ - ص ۳۸۸

می گوید: «برزال بخشایش آورد واور افرمود بجایگاه خود بازگردد و باندازه گذرانش از دارایی وی پرایش گذاشت و مسعودی مروزی در مزدوجه خود آورده است که او را کشت و کسی از بازماندگانش بجا نگذاشت».

مزدوجه در اصطلاح شعر تازی همانست که در فارسی مشنونی می گوییم. چیزی که درین سیان مسلم است اینست که این مسعودی مروزی که منظومدای نظری آنچه دقیقی در مزدوی پس از ورد استانهای ملی ایران سروده‌اند گفته است پیش از سال ۱۴۵۳ یعنی سال تألیف کتاب البدء والتاریخ و پیش از سال ۱۲۴ که مقام تألیف کتاب غرر السیر باشد بیز بسته است و در همان زمانی که مسعودی مورخ معروف مؤلف مروج الذهب و کتاب التنبیه والاشراف زندگی می کرده نیز در حیات بوده است.

اگر این منظومه را از ابوالحسن مسعودی مورخ معروف ندانیم لااقل مسلم می شود که کسانی با نسبت مسعودی که میباشند از بازماندگان همان عیدالله بن مسعود نیای ابوالحسن مسعودی مورخ بوده باشند در ایران و در شهر هر و در همان زمانها زیسته اند.

آن نکتهدای که از آثار ابوالحسن مسعودی در مروج الذهب و کتاب التنبیه والاشراف بررسی آید اینست که وی بیویتگی با آل علی داشته و امامی بوده است زیرا که نه تنها درباره عدویان اطلاعات فراوان دارد بلکه در میان مولفات وی سه کتاب و رساله بوده است یکی بعنوان رسائل البيان فی ائمۃ الانماء و دیگر الاستبصار فی الامامة و دیگر کتاب الصنفۃ فی الامامة. و انگنه میدانیم که بسیاری از فرق شعوبیه مخصوصاً در ایران توجه و اهتمام خاصی بعلوم اسائل و معارف قدیم یونان و روم و هند و ایران و یهود و نصاری و صابئین و نبطیان و پیروان سرقيون و ابن دیسان و فرق دیگر پیش از اسلام داشته‌اند و بعلم مملک و نحل توجه بسیار کرده اند و این توجه فوق العاده باین مسائل در آثار ابوالحسن مسعودی و نامهای کتابه‌ها و رسائلی که داشته است دیده میشود، در ضمن بیان عقاید معتزله را ترجیح می دهد و پیداست که پیرو طریقه اعتزال بوده است. اینکه بر انجام بمصر رفته و فاهم آدرآنجا در گذشته امت شاید بدان سبب باشد که از ۲۹۷ بعد خلافی فاطمی در آن سر زمین پناهگاهی برای هواخواهان امانت و طرفداران علویان و آزاد فکرانی مانند معتزله فراهم کرده بودند که در کشورهای دیگر اسلامی

تابدان اندازه نبود . در بسیاری از کتابهای رجال شیعه نیز ذکری ازوی رفته است و مؤلفان این کتابها اور امامی میدانسته اند^{۱۰} اینک از سی و هشت کتاب و رساله ابوالحسن سعوی معروف دو کتاب کامل او یعنی مروج الذهب و کتاب التنییه والاشراف در دست ماست . کتاب کوچکی نیز در ۲۵۶ صفحه در قاهره در سال ۱۳۵۷ یعنوان اخبار الزمان و بنام وی چاپ گردیده اند و در استناد آن بتوی تردید نیست و اگر ازوی باشد قسم بسیار مختصری از آن کتاب است زیرا که در مروج الذهب و کتاب التنییه والاشراف که از کتابهای مختصر اوست کرا را برای تفصیل مطالب باین کتاب حواله گرده است . پیداست که مفصلترین کتاب او که شامل همه مباحث تاریخ و جغرافیا و ملل و نحل بوده اخبار الزمان و من اباده العدیان نام داشته و آنرا شامل سی مجلد دانسته اند . سپس کتاب کوچکتری بنام کتاب الاوسط پرداخته و پس از آن باز کتاب مختصر تری بنام مروج الذهب و معادن الجوهر در جمادی الآخرة ۳۴۶ پیاپان رسانیده و پس از نه سال در پایان زندگی خود مختصر ترین کتاب تاریخ خود را بنام کتاب التنییه والاشراف پیاپان رسانیده است .

در کتابخانه مخطوطات دانشگاه اسلامی علیگره نسخه ای هست بخطی روشن و خوانا و تائدازه ای کم غلط که در ورق اول آن کتاب نسخه بخط جملی نوشته است : « کتاب عجائب الدنيا للسعوی وما فیها من العجزائر والعجائب والملوک والکھان والاهرام والبرانی ، وکاتب در پایان نسخه رقم کرده است : « تم الكتاب بعون الله و منه وفضله و هذا ما انتهى اليه من کتاب العجائب على التمام والكمال ونعود بالله من الزبادة و النقصان بتاريخ نهار الثلاثاء ۱۲ شهر جمادی الآخر (کذا) سنہ ۹۸۲ علی بد اقر عباد الله تعالى و احوجه الى عفوه و سغفرته محمد بن خلیل السقیی غفر الله له . لوالدیه ولمن قرأ فی هذا الكتاب از رسم الخط و کاغذ و جدول بندی و جلد سازی این نسخه پیداست که در آسیای غربی در ترکیه و یا در سوریه نوشته شده است .

سعوی در مروج الذهب و در کتاب التنییه والاشراف که گویا آخرین تأییف اوست نامها و عنوانین مؤلفات دیگر خود را مکرر آورده است و درین آنها ذکری از عجائب الدنيا نیست . پس اگر این کتاب از سعوی باشد میباشد نام دیگری داشته

چند نکته درباره زندگی و کارهای مسعودی

باشد. درین نسخه ذکری از کهنه هست و از آن جمله از سطیح نام کاهن معروف عرب و داستانهایی از پیش گوییها و تعبیرها و فراست وی.

باب پنجاه و دوم مرrog الذهب در باب کیانیت و باب پنجاه و سوم در اخبار کاهنان در پایان باب پنجاه و دوم نام و نسب سطیح کاهن را چنین آورده است: زبیع بن ریبعة بن مسعود بن مازن بن دفیر بن علی بن مازن بن غسان و در پایان باب پنجاه و سوم تصریح میکند که پیش ازین اخبار کاهنان رادر کتابهای خود اخبار الزمان را وسط آورده ایم. این نسخه که کاتب نام آنرا عجائب الدنیا گذاشته همانست که در قاهره بنام اخبار الزمان چاپ شده است. در دیباچه مجلد اول مرrog الذهب چاپ پاریس^۱ ناشر آن این کتاب نوشته اند که کرم ر Kremer خاورشناس آلمانی در ۱۸۴۹ نسخه‌ای کهون در حلب یافته است آن رودیگر Rödiger خاورشناس آلمانی عقیده دارد مجلد اول کتاب اخبار الزمان است و در مجلد پنجم مجله انجمن خاورشناسان آلمان در صحیفه ۴۲۹ ذکری از آن کرده است. گویا این هم همان نسخه‌ای باشد که در قاهره بنام اخبار الزمان از روی آن چاپ گردیده اند.

مسعودی در کتاب مرrog الذهب بیست و یک کتاب و رساله خود را نام برده است باین ترتیب: اخبار الزمان و من اباده الحدثان (۱۳ بار)^۲ المقالات فی اصول الديانات (پنج بار)^۳ رسالۃ النبی فی احتمال الائمه (دو بار)^۴ کتاب الابانة فی اصول الديانة یا عن اصول الديانة (دو بار)^۵ سراجیات (پنج بار)^۶ الاستبشار فی الاماۃ (پنج بار)^۷ کتاب الاوسط فی

۱ - من ۵ از مقدمه

- ۲ - چاپ باریس - ج ۱ ص ۱۰۷، ۹۲، ۷۲، ۶۴، ۲۱، ۲۶، ۱۱۴، ۱۰۷، ۹۲، ۷۲، ۶۴، ۲۱، ۲۶، ۱۱۴، ۱۰۷، ۹۲، ۷۲، ۶۴، ۲۱، ۲۶، ۱۱۴، ۱۰۷، ۹۲، ۷۲، ۶۴، ۲۱، ۲۶
- ۳ - ج ۲ ص ۲۷، ۳۹۴، ۳۸۲، ۳۷۰، ۳۶۸، ۲۸۷، ۲۸۶، ۲۸۵، ۲۷۶، ۲۵۸، ۲۲۹، ۲۰۱، ۱۲۰۰، ۱۶۹
- ۴ - ۴۱۲، ۴۱۱، ۳۹۱، ۳۲۷، ۳۲۲، ۳۱۶، ۳۱۰، ۲۳۹، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۶۱، ۱۲۵، ۱۱۷، ۱۱۰، ۸۱۰
- ۵ - ج ۴۴، ۸۰، ۵۱، ۴۱، ۱۷، ۴۴۰، ۳۹۶، ۲۲۱، ۲۱۶، ۱۷۲، ۸۲۰، ۴۸۰، ۳۸۰، ۳۵۰
- ۶ - ج ۴۴، ۱۰۴، ۱۵۰، ۳۹۶، ۳۸۷، ۳۸۲، ۳۵۹، ۲۲۹، ۱۲۰، ۲۸۷، ۲۵۰، ۱۶۳، ۱۳۲
- ۷ - ج ۷ ص ۵۶، ۴۸۷، ۴۱۴، ۲۸۷، ۲۸۰، ۲۲۳، ۲۰۳، ۱۵۶، ۱۳۷، ۸۷، ۴۸۰، ۱۴۶
- ۸ - ج ۴۰۵، ۱۸۰، ۳۸۰، ۴۰۵، ۴۰۴، ۳۶۳، ۳۸۰، ۳۷۷، ۳۷۱، ۳۴۴، ۳۴۰، ۳۲۲، ۲۸۹، ۲۱۱، ۱۴۵، ۱۰۵
- ۹ - ج ۳۴۳، ۲۸۰، ۲۷۵، ۲۴۷، ۲۱۳، ۲۱۱، ۱۹۵، ۱۸۲، ۱۷۵، ۱۴۸، ۱۱۲، ۱۰۳
- ۱۰ - ج ۱۱۸، ۷۲، ۲۶۸، ۳۲، ۲۰۱، ۱۱۸

۱۱۷، ۱۱۶، ۱۱۶

۱۰ - ج ۱ ص ۶۹

۵ - ج ۱ ص ۱۱۸

۶ - ج ۱ ص ۲۳۵ - ج ۲۱۳، ۱۲۵ ص ۲۳۵ - ج ۱۱۸ ص ۷۷ - ج ۱۱۸ ص ۴۰

۷ - ج ۱۳۵ ص ۴ - ج ۲۲۸ ص ۲ - ج ۴ ص ۱۳۵ - ج ۵ ص ۱۸۹

اخبار علی التاریخ (٩٥ بار)^١ ، نظم الادله فی اصول العملة (یکبار)^٢ کتابی که یکجا^٣ نام آن الرؤس السبیعیه من السياسة الملوکیة وجای دیگر الرؤس السبیعیه من السياسة المدنیة وملکها الطبیعیه وجای دیگر الرؤس السبیعیه فی الاھاطة بسياسة العالم واسراره و درجای دیگر^٤ کتاب الرؤس السبیعیه فی باب السياسة المدنیة و عدد اجزائها و عللها الطبیعیة چاپ شده است ، کتاب الزلف (چهار بار)^٥ ، کتاب المبادی والترکی که احتمال می دهم نام درست آن کتاب المبادی والترکیم باشد (یکبار)^٦ کتاب الصفوہ فی الامامة (پنج بار)^٧ ، کتاب الزاهی (یکبار)^٨ کتاب الواجب علی الفروض الوازمن (یکبار)^٩ کتاب النهی والکمال (یکبار)^{١٠} ، طب المنفوس (دو بار)^{١١} کتاب القضايا والتجارب (چهار بار)^{١٢} کتاب الدعاوى السنیعیة (یکبار)^{١٣} ، کتاب الاسترجاع فی الكلام (یکبار)^{١٤} ، کتاب اسرار الطبیعیة و خواص تأثیر الاشخاص الملویه و انغرائب الفلسفیة (یکبار)^{١٥} ، کتاب الانتصار (یک بار)^{١٦} .

ازین جا پیداست که این بیست و یک کتاب و رساله را پیش از جمادی الآخرة ۳۲۶ که تاریخ مروج الذهب و معادن الجواهر باشد تألیف کرده است.

- ۱ - ج ۱ ص ۴ - ۳۹۴۰۲۲۹، ۲۰۱۱۲۹، ۱۵۱، ۱۳۰، ۱۲۹، ۱۲۷، ۱۲۶، ۹۷، ۷۱۴۲۱۱، ۴ - ج ۲ ص ۲۵۰، ۴۰۹، ۵ - ج ۳ ص ۳۵۱، ۳۴۳، ۳۳۵، ۳۲۲، ۳۱۶، ۳۰۹، ۳۰۷، ۲۴۸، ۱۹۲، ۱۶۱، ۲۵۱۰ - ج ۴ ص ۳۵۸، ۲۸۷، ۲۵۰، ۱۶۳، ۱۴۷، ۱۳۸، ۱۳۲، ۴۱ - ج ۵ ص ۴۱۳، ۳۸۲، ۲۲۱، ۲۱۴، ۳۸۶ - ج ۶ ص ۴۸۰، ۴۶۴، ۴۴۱، ۴۱۵، ۳۹۷، ۳۸۷، ۳۸۲، ۳۵۹، ۱۲۰ - ج ۷ ص ۴۸۷، ۴۸۲، ۴۱۴، ۲۸۷، ۲۶۰، ۲۲۳، ۱۹۴، ۱۷۱، ۱۵۶، ۱۳۷، ۱۳۶، ۸۷، ۸۲۰، ۵۴۴، ۸۰۳ - ج ۸ ص ۱۰۴، ۱۴۵، ۱۰۱، ۱۹۷، ۱۴۵، ۱۱۹، ۲۴۰، ۱۱۹، ۲۸۹، ۶۲۴، ۰۱۹، ۷، ۱۴۵، ۱۱۲، ۰۵۵ - ج ۹ ص ۱۸۰، ۱۳۴، ۱۱۲، ۰۵۵ - ج ۱۰ ص ۲۷۰، ۲۴۹، ۰۲۴، ۷۰، ۲۱۳، ۰۲۱، ۰۱۸، ۰۱۸ - ج ۱۱ ص ۳۷۰، ۲۷۰، ۰۸۰ - ج ۱۲ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۵۵ - ج ۱۳ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۴۰ - ج ۱۴ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۳۰ - ج ۱۵ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۲۰ - ج ۱۶ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۱۰ - ج ۱۷ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۰۰ - ج ۱۸ ص ۳۴۰، ۲۷۰، ۰۰۰

در کتاب التنبیه والاشراف یازده کتاب دیگر را که در مروج الذهب نام نبرده بدین شرح ذکر کرده است : ذخائر العلوم وما كان في سالف الدهور (چهار بار)^۱ کتاب الاستذكار لماجری فی سالف الاعصار (بیست و پنج بار)^۲. خزانة الدين وسر العالمین (سه بار)^۳. کتاب المسائل والعلل فی المذاہب والممل (دو بار)^۴. فنون المعارف وماجری فی الدهور السوالف (بیست و هفت بار)^۵. نظم الجوادر فی تدبیر المعالک و العساکر (یک بار)^۶. اخبار المسعودیات یا المسعودیات (دو بار)^۷. وصل المجالس (یک بار)^۸. نظم الاعلام فی اصول الاحکام (یک بار)^۹. تقلب الدول و تغیر آراء الملل (یک بار)^{۱۰}. مقاتل فرسان العجم (یک بار)^{۱۱}.

ازین جا پیداست که این یازده کتاب را در فاصله میان تالیف مروج الذهب در ۳۳۶ و تالیف کتاب التنبیه والاشراف در ۳۴۵ یعنی در مدت نه سال تالیف کرده و این کثرت کاروی را میرساند.

از کتاب مروج الذهب ومعادن الجوادر نیز درین کتاب بیست و یک بار ذکر کرده است^{۱۲} و نیز از کتابهایی که ذکر آنها را در ریج الذهب آورده بدینگونه یاد کرده است : اخبار الزمان و من اباده العدثان (برده بار)^{۱۳}. رسالت البيان فی اسماء

- ۱ - چاپ لیدن م ۱۷۶۹۷۲۴۰۰۴
۲ - م ۵۰۲، ۵۳۰، ۱۹۵۰، ۱۷۶۰، ۱۴۵۰، ۱۴۴۰، ۱۳۷۰، ۱۳۲۰، ۱۲۸۰، ۱۰۲۰، ۹۷۰، ۸۴۰، ۸۳۰، ۵۳۰، ۲۱۳۰
۳ - م ۱۰۱، ۱۶۱، ۳۹۵۰
۴ - م ۱۵۰، ۴
۵ - م ۲۰۰۲، ۱۶۰۰، ۱۵۸۰، ۱۵۳۰، ۱۵۱۰، ۱۱۵۰، ۹۷۰، ۸۲۰، ۳۱۰، ۲۰۰۰
۶ - م ۲۵۹، ۲۲۳۰
۷ - م ۸
۸ - م ۴
۹ - م ۱۰
۱۰ - م ۱۰۲
۱۱ - م ۱۲
۱۲ - م ۰۲، ۱۳۰، ۱۷۵۰، ۱۶۹
۱۳ - م ۴۰۲، ۳۵۶۰، ۲۹۷۰، ۱۷۵۰، ۱۶۴۰، ۱۵۸۰، ۱۵۰۰، ۱۴۴۰، ۱۳۶۰، ۹۷۰، ۸۶۰

الائمه (بکبار)^۱ - کتاب الابانة عن اصول الديانة (بکبار)^۲ - سر العیات (دوبار)^۳ - کتاب الاوسط (پنج بار)^۴ - کتاب المقالات فی اصول الديانات (چهار بار)^۵ - نظم الادنه فی اصول العلة (بکبار)^۶.

چنانکه پیش ازین گذشت ابن الندیم در کتاب الفهرست کتابی بنام کتاب التاریخ فی اخبار الامم من العرب والعجم بنام وی ذکر کرده است وابن شاکر کتبی در کتاب فوات الوفیات^۷ اخبار الامم من العرب والعجم آورده است وشاید مقصود از آن اخبار الزمان یا کتاب الاوسط باشد و یا کتاب دیگری که مسعودی خود بدان اشاره نکرده است . ابن الندیم و ابن شاکر کتاب دیگری نیز بنام او آورده اند بعنوان کتاب الرسائل . ابن شاکر مؤلفات وی را بدین گونه شمرده است : مروج الذهب - اخبار الزمان تقریبا در ۳۰ مجلد - ذخائر العلوم وما كان فی سالف الدهور - الرسائل - الاستذکار لما جر فی سالف الاعصار - اخبار الامم من العرب و العجم - خزانة الملوك وسر العالمین که پیداست تحریفی از نام کتاب خزانة الدين و سر العالمین اوست - المقالات فی اصول الديانات - البيان فی اسماء الائمه - المسائل والعلل فی المذاهب والملل - الابانة فی اصول الديانة - سر العیات - الاستنباط فی الامامة و کتاب دیگری نام برده است بعنوان السیاحة المدینه فی السیاسة والاجتماع که ذکری از آن در مؤلفات مسعودی نیست ، کتاب مروج الذهب تاکنون شش بار چاپ شده است :

۱ - بکبار در حاشیه تاریخ الکامل ابن الاثیر چاپ قاهره در ۱۳۰۳

۲ - بکبار در حاشیه نفع الطیب احمد مقری سغربی در قاهره در ۱۳۰۲

۳ - بکبار در بولاق در ۱۲۸۳

۴ - بکبار در مصر در ۱۳۰۳

۵ - بار دیگر در مصر در دو مجلد در ۱۳۴۶

۱ - ص ۲۹۷

۲ - ص ۳۵۴

۳ - ص ۳۵۳، ۱۵۵

۴ - ص ۴۰۰، ۱۷۵، ۱۴۴، ۹۷، ۲

۵ - ص ۳۹۷، ۳۵۳، ۱۶۱، ۱۵۴

۶ - ص ۴

۷ - چاپ بولاق ۱۲۹۹ جلد ۲ ص ۴۵

۶- یکبارهم با ترجمه فرانسه در ۹ مجلد در پاریس از ۱۸۶۱ تا ۱۸۷۷ انتشار یافته است. مجلدات اول تا سوم آنرا س. باریه دومنار C. Barbier de Meynard و پاوه دو کورتی Pavet de Courteille خاورشناسان فرانسوی باهم ترجمه کرده اند و از مجلد چهارم تا نهم را باریه دومنار بتنهایی ترجمه کرده است. نام ترجمه فرانسه این کتاب را *Les prairies d'or* گذاشته اند که به معنی مرغزار طلاست زیرا که کلمه مروج که جمع مرج است در زبان تازی چراگاه و علفزار معنی میدهد و در ضمن به معنی جایگاه شستن هم هست و البته درین مقام معنی درست مروج الذهب جایگاه زرشویی است و نه علفزار و مرغزار طلا.

کتاب التبیه والاشراف یکبار در لیدن در ۱۸۹۴ با هتمام دو خویه M.J.De Goeje خاور شناس هلندی چاپ شده و بار دیگر از روی آن در قاهره در ۱۹۳۸-۱۳۵۷ چاپ کرده اند. سیلوستر دولاسی Silvestre de Sacy خاور شناس بسیار مشهور فرانسوی قسمتی ازین کتاب را بعنوان *Le livre de l'indication et de l'admonition* فرانسه ترجمه کرده و سپس همه کتاب را کارا دوو B.Carra de Vaux خاور شناس دیگر فرانسوی بنام *Le livre de l'avertissement et de la revision* فرانسه ترجمه کرده و در پاریس ۱۸۹۷ انتشار داده است.

چنانکه پیش ازین آوردم قسمتی از کتاب اخبار الزمان نیز در قاهره در سال ۱۳۵۷ چاپ شده است.

پرسنل جامع علوم انسانی